

همینگوی و همسرش به کمک سینما می‌آید

رسانه تلویزیون برای تولید محصولات پرسروصدای خود از همکاری بازیگران و چهره‌های سرشناس دنیای سینما کمک می‌گیرد.



رسانه تلویزیون برای تولید محصولات پرسروصدای خود از همکاری بازیگران و چهره‌های سرشناس دنیای سینما کمک می‌گیرد. در تازه‌ترین همکاری بازیگران درجه یک سینما با رسانه تلویزیون، نیکول کیدمن راهی دنیای تلویزیون می‌شود تا جلوی دوربین یک مجموعه تاریخی و شرح حال‌گونه به نام *171*؛ همینگوی و گلهورن؛ بازی کند. این مجموعه چهار قسمتی براساس یک ماجرای واقعی ساخته می‌شود و این بازیگر اسکار گرفته سینما در آن، یک بار دیگر در نقش یک کاراکتر واقعی ایفای نقش خواهد کرد. کیدمن مذاکره با تهیه‌کنندگان مجموعه را حدود دو ماه قبل آغاز کرد و گفت در صورت پسندیدن فیلمنامه، بازی در آن را قبول می‌کند. وی هم‌اکنون مشغول مطالعه این فیلمنامه است و قرار است تا یکی دو هفته دیگر، پاسخ نهایی را به تهیه‌کنندگان *171*؛ همینگوی و گلهورن؛ بدهد. نزدیکان بازیگر می‌گویند این مجموعه با بازی کیدمن جلوی دوربین خواهد رفت، زیرا وی در گفتگو با اطرافیان خود از فیلمنامه‌ای که دارد مطالعه می‌کند، اظهار رضایت کرده است. کیدمن در این مجموعه نقش مارتا گلهورن را بازی می‌کند. این قصه‌نویس آمریکایی که سال 1908 به دنیا آمد و تا سال 1998 زندگی کرد، در عین حال روزنامه‌نگار هم بود و سفرنامه‌های خبری او جزو کارهای رسانه‌ای مطرح دورانی است که وی به فعالیت ژورنالیستی مشغول بود. منتقدان ادبی و رسانه‌ای از گلهورن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین خبرنگاران جنگی قرن بیستم یاد می‌کنند. در عین حال، مارتا گلهورن یکی از معدود خبرنگاران و گزارشگران خبری بین‌المللی بود که در خط اول اتفاقات مهم بین‌المللی حضور داشت و طی 60 سال فعالیت ژورنالیستی، مهم‌ترین درگیری‌های جهان را تحت پوشش قرار داد. حضور او در درگیری‌های جنگ جهانی دوم و خبررسانی درباره آن، گلهورن را با ارنست همینگوی نویسنده متعهد و مردمی دنیای ادبیات آشنا کرد. این آشنایی به ازدواج منجر شد. او که سومین همسر همینگوی به شمار می‌رود، در فاصله سال‌های 1940 تا 1945 با وی زندگی کرد. منتقدان ادبی می‌گویند همینگوی تحت تاثیر او بود که کتاب معروف خود *171*؛ زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آید؛ را نوشت. گلهورن در 89 سالگی بینایی خود را از دست داد و همین مساله، باعث شد تا تصمیم بگیرد به زندگی خود خاتمه دهد. جایزه ادبی *171*؛ مارتا گلهورن برای روزنامه‌نگاری؛ جایزه‌ای است که به یاد وی، هر سال به یکی از روزنامه‌نگاران برجسته اهدا می‌شود.

کیدمن در نقش نویسنده

کیدمن که قبل از این نقش ویرجینیا وولف نویسنده مطرح دنیای ادبیات را در فیلم اسکاری *171*؛ ساعت‌ها (2001؛ raquo) بازی کرده (او برای این فیلم، اولین و تنها اسکار بازیگری خود به عنوان بهترین بازیگر زن سال را گرفت)، می‌گوید از ایفای نقش یک نویسنده مطرح دیگر بسیار خوشحال است و ادامه می‌دهد: *171*؛ بازی در نقش ویرجینیا وولف اصلا کار راحتی نبود و مجبور به یک تحقیقات مفصل پیرامون او شدم. نمی‌خواستم بازی در این نقش را سرسری بگیرم. همین احساس را در مورد مجموعه *171*؛ همینگوی و گلهورن؛ دارم و کوچک بودن سبزه‌های آن را تولید می‌کند، برایم هیچ اهمیتی ندارد. اما فکر می‌کنم بازی در نقش مارتا گلهورن برایم به سختی ایفای نقش ویرجینیا وولف نباشد. من حالا تجربه کار در آن نقش و تحلیل درست یک کاراکتر واقعی تاریخی را دارم. همین نکته کمک می‌کند تا راحت‌تر به درونیات و حال و هوای کاراکتر تازه‌ام برسم. برای یک بازیگر، نوع نزدیک شدن به یک نقش به معنی انجام نیمی از کار است. من با این نیمه مهم کار آشنایی خوبی دارم و مجبور نیستم دوباره این راه را طی کنم. raquo

گلهورن از سوی پدر، اصلیتی آلمانی داشت. او سال 1926 وارد دانشگاه شد و قبل از این که فارغ‌التحصیل شود، درس را رها و وارد حرفه روزنامه‌نگاری شد. اولین مقاله وی سال 1930 منتشر شد و او مصمم شد که به عنوان خبرنگار خارجی به فعالیت رسانه‌ای خود ادامه دهد. اولین کتاب گلهورن سال 1935 روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفت و این در حالی بود که او به عنوان یک فعال اجتماعی، در جنبش‌های مهم سیاسی و اجتماعی آن دوران حضور فعالی داشت. مقالات گلهورن درباره شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی مردم آمریکا در دوران بحران اقتصادی کشور باعث آشنایی‌اش با التنور روزولت شود و آنها تا پایان عمر دوستان صمیمی یکدیگر بودند. در کنار پوشش کامل خبری جنگ داخلی اسپانیا، وی ظهور آدولف هیتلر در آلمان را در مقاله‌هایش مطرح کرد. آشنایی او با ارنست همینگوی در سال 1936 اتفاق افتاد و مجموعه چهار قسمتی *171*؛ همینگوی و گلهورن؛ به همین بخش از زندگی این نویسنده می‌پردازد.

زندگی مستقل

شروع قسمت اول مجموعه با اولین دیدار همینگوی و گلهورن در منطقه کی‌وست در سال 1936 است. قصه مجموعه که شامل یک سری فلاش‌بک نیز هست، این آشنایی را تا سال 1940 زمان ازدواج این دو دنبال می‌کند. طی فاصله سال‌های 1936 و 1940، هر دو نویسنده به دلیل درگیری‌های کاری به صورت دائم و ثابت یکدیگر را نمی‌دیدند و هر یک مشغول کار روی پرونده‌ها و حوزه‌های

کاري خود بودند. رسانه‌هاي گروهی و منتقدان ادبی از گلهورن به عنوان نویسنده‌اي یاد می‌کنند که همیشه به خاطر ازدواج با همی‌نگوی و همسر او بودن، شناخته می‌شود. نیکول کیدمن با اشاره به این که گلهورن موافق این مساله نبود، می‌گوید: «#171؛مارتا همیشه می‌خواست خودش باشد و به عنوان یک فرد مستقل شناخته و معرفی شود. او هیچ وقت علاقه‌اي نداشت که به عنوان یک سایه مطرح شود و او را به واسطه شخص دیگری بشناسند و معرفی‌اش کنند. قصه مجموعه «#171؛همی‌نگوی و گلهورن»؛ هم بیشتر می‌خواهد درباره این چالش بحث کند و دیدگاه مارتا گلهورن را به صورت شفاف بیان کند. من هم هنگام بازی در نقش مارتا می‌خواهم روی این بحث – که نقش مهمی در زندگی این نویسنده داشت – مکث کنم. مصاحبه‌هاي گلهورن با رسانه‌هاي مختلف، روی این نکته دلالت می‌کند که وی می‌خواست به صورت مستقل مورد بحث و قضاوت قرار گیرد و تا حد امکان نامی از همی‌نگوی برده نشود. اما متأسفانه این خواست او چندان مورد توجه قرار نگرفت. نکته تلخ درباره مجموعه «#171؛همی‌نگوی و گلهورن»؛ هم این است که قصه آن، دقیقاً به همان بخشی از زندگی و فعالیت‌هاي اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مارتا گلهورن می‌پردازد که مربوط به زندگی‌اش با همی‌نگوی می‌شود!

هر قسمت مجموعه «#171؛همی‌نگوی و گلهورن»؛ حدود 50 دقیقه طول زمانی خواهد داشت و قصه درام آن روی آشنایی، ازدواج و زندگی گلهورن با همی‌نگوی مکث می‌کند. گلهورن زمانی که با همی‌نگوی آشنا شد، به عنوان یک خبرنگار جنگی کار می‌کند و به گفته منتقدان ادبی، همی‌نگوی به او کمک زیادی کرد تا گزارش‌ها و مقاله‌هاي بهتری را برای کار خبری خود انتخاب کند. در حقیقت، زندگی با همی‌نگوی مهم‌ترین و مشهورترین بخش زندگی گلهورن است، زیرا به اعتقاد منتقدان ادبی وی ضمن تأثیرپذیری از همی‌نگوی، منبع الهام این نویسنده برای نوشتن یکی از مشهورترین نوشته‌هاي ادبی وی «#171؛زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آید»؛ شد. کیدمن می‌گوید: «#171؛نکته مهم این است که وی در بین 3 همسر همی‌نگوی، تنها کسی بود که تقاضای طلاق از سوی او مطرح شد و این چیزی بی‌سابقه است که جای بحث و بررسی زیادی دارد.»؛

#171؛اوئن»؛ در نقش همی‌نگوی

شبکه تلویزیونی HBO که تهیه‌کننده مجموعه 4 قسمتی «#171؛همی‌نگوی و گلهورن»؛ است، کلید فیلمبرداری آن را بهار سال 2011 می‌زند. نقش همی‌نگوی را در این مجموعه کلایو اوئن بازیگر سرشناس سینما و تئاتر انگلستان بازی می‌کند و جیمز گاندو لوفینی تهیه‌کننده اصلی آن است. گاندولوفینی چند سال است قصد تولید این مجموعه را دارد او به شدت شیفته قصه واقعی آن است و از بازیگران فعال سینما در نقش‌هاي مکمل و از تهیه‌کنندگان قدیمی‌تر تلویزیونی است. او که بازیگر مجموعه پربیننده «#171؛سوپرانوها»؛ است، قبل از این یک فیلم مستند درباره جنگ عراق برای تلویزیون تهیه کرده است. قبل از این و در زمانی که قرار بود نسخه سینمایی از قصه زندگی همی‌نگوی و گلهورن ساخته شود، او تصمیم داشت نقش همی‌نگوی را در این فیلم بازی کند. اما دوستانش به او توصیه کردند این قصه را به صورت یک مجموعه تلویزیونی کار کند، تا تأثیر بیشتری روی مخاطبان خود بگذارد. او نیز تصمیم گرفت آن را برای شبکه HBO – که سال‌هاست با آن همکاری نزدیک دارد – تهیه کند. به این ترتیب، 6 سال پس از آن که گاندو لوفینی می‌خواست یک فیلم سینمایی براساس این طرح بسازد، قرار بر این شد که این طرح، تبدیل به کاري تلویزیونی شود.

گاندولوفینی می‌گوید: «#171؛قصه زندگی همی‌نگوی و گلهورن مشهورترین قصه واقعی دنیای ادبیات در ارتباط با زندگی خانوادگی و زناشویی است. آنها لقب مشهورترین زوج ادبی تاریخ را گرفتند و قصه مجموعه‌ها، تقدیری از این موقعیت است. حضور کیدمن و اوئن در نقش این زوج ادبی، به ما کمک می‌کند تا بتوانیم بهتر این قصه را روی صفحه کوچک تلویزیون تعریف کنیم. برای کارگردانی مجموعه هم فیلیپ کافمن انتخاب شده که خودش یکی از دوستاناران جدی دنیای ادبیات است. احساس می‌کنم این ترکیب خوب هنری، باعث خلق یک کار جذاب و تماشایی تلویزیونی خواهد شد.»؛ این بازیگر و تهیه‌کننده در عین حال این مساله را کتمان نمی‌کند که به موفقیت بالای آن در دو مراسم جوایز سالانه امی (اسکار تلویزیونی) و گلدن گلوب (در رشته تلویزیون) امید خیلی زیادی دارد. کار نگارش فیلمنامه مجموعه را جری استال با همکاری باربارا ترنر انجام داده است. استال در کنار نوشتن فیلمنامه چند کار سینمایی، بیشتر به عنوان یک فیلمنامه‌نویس تلویزیونی شهرت دارد که معروف‌ترین آنها «#171؛تحقیق صحنه جرم»؛ (با نام اختصاری CSI) است.

سریالی که فیلم نمی‌شود

فیلیپ کافمن که قرار است فیلم‌نامه قسمت پنجم مجموعه فیلم «#171؛این‌دیانا جونز»؛ را بنویسد، کار نوشتن فیلمنامه و نوول را از سال 1965 شروع کرد و بیشتر به عنوان یک هنرمند غیرمتعارف شناخته شده است. او که یکی از فیلمسازان مستقل سینمایی آمریکاست کار فیلمسازی را از سال 1965 شروع کرد و تا به حال فیلم‌هاي مطرحی مثل «#171؛بار هستی»؛، (1988)؛ «#171؛هنری و جون»؛ (1990)؛ (؛ «#171؛پرها»؛ (2000)؛ را ساخته است. مجموعه «#171؛همی‌نگوی و گلهورن»؛ اولین کار تلویزیونی او به شمار می‌رود. او در ارتباط با حضور در یک کار تلویزیونی چنین می‌گوید: «#171؛تا قبل از این تجربه کار در تلویزیون را نداشته‌ام، ولی فکر نمی‌کنم ساخت یک مجموعه کار سختی باشد. نکته‌اي که کمی باعث ناراحتی و دلخوری‌ام شد، این است که فیلمنامه را افراد دیگری نوشته‌اند و قبل از این که من همکاری‌ام را با این پروژه شروع کنم، این فیلمنامه آماده شده بود. البته این قول را از تهیه‌کنندگان کار گرفته‌ام که هنگام ساخت، تغییرات دلخواه خودم را در این فیلمنامه اعمال کنم. نیکول کیدمن انتخاب من برای ایفای نقش گلهورن بود. او در درام شرح‌حال‌گونه «#171؛ساعت‌ها»؛ در نقش ویرجینیا وولف یک بازی عالی ارائه داد و مطمئن هستم که نقش گلهورن را نیز به همان خوبی بازی خواهد کرد. بحثی که در رسانه‌هاي گروهی در

رابطه با این مجموعه مطرح شد، این است که یک نسخه سینمایی هم از آن تهیه و اکران عمومی خواهد شد. ولی من این موضوع را کاملا تکذیب می‌کنم و شما مطمئن باشید که #171؛ همی‌نگوی و گلهورن؛ فقط یک مجموعه تلویزیونی خواهد بود؛

کل صحنه‌های مجموعه در شمال کالیفرنیا فیلمبرداری خواهد شد و لوکیشن‌های اروپایی در همین محل دوباره‌سازی می‌شود. کیدمن که برای هر فیلم سینمایی خود دستمزدهای 15 میلیون دلاری می‌گیرد، برای بازی در این کار تلویزیونی دستمزد پایینی خواهد گرفت. گفته می‌شود کل هزینه تولید مجموعه #171؛ همی‌نگوی و گلهورن؛ حدود 20 میلیون دلار می‌شود. کیدمن گفته است قصد دارد در آینده در تعداد بیشتری پروژه تلویزیونی حضور پیدا کند. او نیز شایعات رسانه‌ای مربوط به سرمایه‌گذاری مالی روی #171؛ همی‌نگوی و گلهورن؛ را رد می‌کند و می‌گوید فقط بازیگر آن است.

این بازیگر استرالیایی‌تبار در زمانی با یک پروژه تلویزیونی همکاری می‌کند که پیش از او، بازیگران قدیمی و مطرحی مثل آل پاچینو و مریل استریپ در اوج شهرت سینمایی خود با یک سری پروژه تلویزیونی همکاری کرده‌اند و بسیاری از بازیگران تلویزیونی پس از موفقیت کارهای خود در این رسانه، وارد دنیای سینما شده‌اند. استریپ و پاچینو سال 2003 در مجموعه 6 قسمتی #171؛ فرشتگان در آمریکا؛ بازی کردند. این مجموعه درام و خانوادگی برای هر دوی آنها جایزه بهترین بازیگر مرد و زن دو مراسم گلدن گلوب و امی را به همراه آورد. استریپ در سال 1999 هم با مجموعه #171؛ سلطان تپه؛ همکاری کرد و پاچینو سال قبل در فیلم سینمایی تلویزیونی #171؛ تو جک را نمی‌شناسی؛ ایفای نقش کرد. این کار تلویزیونی شرح‌حال‌گونه درباره جک کورکیان دکتر معاصر آمریکایی است که رسانه‌های گروهی به وی لقب دکتر مرگ را داده‌اند. پاچینو برای بازی در نقش این دکتر، ماه قبل جایزه مراسم امی در رشته بهترین بازیگر مرد را از آن خود کرد. اما بازیگری مثل جورج کلونی که به واسطه موفقیت مجموعه #171؛ به شهرت بالایی رسید، پس از شروع فعالیت‌های سینمایی، دیگر به صفحه کوچک تلویزیون برنگشت.

مجموعه تلویزیونی #171؛ همی‌نگوی و گلهورن؛ در شرایطی وارد مرحله تولید می‌شود که صنعت سینما هم اخیراً از خودش علاقه زیادی برای تولید فیلم‌های سینمایی درباره ارنست همی‌نگوی نشان داده است. فیلم سینمایی #171؛ همی‌نگوی و فونتس؛ که به کارگردانی اندی گارسیا هم‌اکنون جلوی دوربین است، آنتونی هاپکینز را پس از بازی در نقش تعدادی از کاراکترهای مطرح تاریخی، در نقش همی‌نگوی نویسنده دارد. خود گارسیا هم در فیلم در نقش فونتس بازی دارد و قصه آن درباره آشنایی و دوستی همی‌نگوی با جورجیو فونتس کاپیتان یک قایق تفریحی است. منتقدان ادبی از فونتس به عنوان کسی اسم می‌برند که الهام‌بخش نویسنده برای نوشتن کتاب معروف #171؛ پیرمرد و دریا؛ شد. سازندگان این نسخه سینمایی با وجود شباهت‌های آن با قصه مجموعه همی‌نگوی و گلهورن می‌گویند این دو کار از نظر ساخت و حال و هوا کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند. این فیلم قرار است زودتر از مجموعه تلویزیونی #171؛ همی‌نگوی و گلهورن؛ به نمایش عمومی درآید و تهیه‌کنندگان مجموعه عقیده دارند نمایش عمومی این فیلم نه تنها لطمه‌ای به کار تلویزیونی آنها نمی‌زند، بلکه یک جورهایی به نفع آن نیز هست و به طور غیرمستقیم به تبلیغ آن می‌پردازد.

ورایتی / مترجم: کیکاووس زیاری